

آینده جهان از دیدگاه اهل بیت (ع)

حجت الله رجبی^۱

چکیده

همواره یکی از پرسشهای مهم و بنیادی بشریت در مورد آینده بشریت و سرانجام زندگی انسانها بوده است که ناشی از دغدغه و نگرانی فطری و طبیعی نوع انسانها در مورد عاقبت انسانها در زندگی دنیوی می باشد. پرسش اساسی همه انسانها چنین هست که آیا سرانجام زندگی انسان رو به زوال و نابودی و انحطاط و تاریکی می رود و یا اینکه رو به روشنایی و سعادت صلاح و فلاح؟ در این مقاله ابتدا فواید آینده پژوهی و اهمیت آینده نگری تبیین گردیده و در ادامه نظریه های سرانجام تاریخ و نگرش ویژه قرآن و اهلبیت در این مورد مورد بحث قرار می گیرد که هدف اساسی از طرح این موضوعات تبیین و بررسی رویکرد آینده نگرانه و متعالی قرآن و اهلبیت (ع) نسبت به آینده می باشد که ضمن آن آینده ای بسیار روشن و درخشان و زندگی متعالی برای انسانها متصور است. این مقاله نیل به چنین هدفی را در پرتو روشی توصیفی - تحلیلی دنبال می کند.

کلید واژه: آینده نگری، اهل بیت (ع)، سعادت، فطرت، عدالت، رفاه و آسایش، گسترش علم، شکوفایی

تمدن

^۱ محقق و فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت

مقدمه:

جوهره حرکت آدمی را نگاه به آینده، معنا و مفهوم می دهد. گذر از زمان و وضعیت کنونی و رسیدن به دوران روشنایی فرا رو، مهمترین دغدغه هر انسانی است. او می خواهد خود را در آینده ای سرشار از رفاه و سعادت و آسایش و به دور از سختی ها و تباهی ها ببیند و برای رسیدن به چنین روزگاری همه تلاش خود را به کار می بندد. به جرات می توان گفت هویت انسان در نشاط و کوشش او معنا می شود که بر پایه امید به آینده ی روشن، شکل می گیرد.

ظهور و قیام مصلح، مهمترین رویدادی است که در آینده رخ می دهد؛ رویدادی که در آینده ی انسان ها و سرنوشت آن ها تاثیر شگرفی می گذارد. این واقعه عظیم که همه ادیان، تحقق آن را نوید داده اند، با ارائه حاکمیتی جدید، روند زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را به کلی تغییر می دهد. در آن دوره، یک حاکمیت بر سراسر جهان حکم فرمایی می کند و یک قانون و شریعت در برنامه ریزی زندگی انسان ها به کار برده می شود و همه افراد، طعم شیرین عدالت را در همه شوون حکومتی و زندگی اجتماعی، چشیده و با تمام وجود سعادت فردی و اجتماعی را در جامعه لمس خواهند کرد.

در این میان، مکتب راستین اسلام که در بر دارنده همه نیازهای زندگی انسان و جامعه بشری است، با نگاهی روشن و کامل، آینده و تحولات آن را مورد توجه قرار داده است و در سامانه ی جهان بینی خود، به صورتی شفاف از آن سخن گفته است. با بازکاوی معارف قرآن و سنت به روشنی می توان به ویژگی های آینده و زندگی مردم در پرتو ظهور و حکومت منجی، آگاهی یافت.

از نگاه رهبران معصوم شیعه تمدن صالح و پایدار، زمانی آشکار می شود که بشریت از تجربه ها و آزمون های نا موفق تمامی راهها و روشهای مختلف و ادعاهای واهی مکاتب گوناگون به ستوه آید و همگان باور کنند که این مکاتب و راه و روشها هرگز نمی توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان آوردند و تنها راه سعادت در پرتو تشکیل حکومت الهی مهدوی که نوید تمام انبیا و اولیا در آینده بوده است، خواهد بود.

از دیدگاه اهل بیت (ع)، در دوران درخشان ظهور امام مهدی (عج) و با اقداماتی که ایشان در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی در گستره جهان هستی انجام می دهند نعمتهای مادی و معنوی و ارضی و سمائی به روی بشر سرازیر شده و بشر به آرزوی دیرینه خود مبنی بر تشکیل مدینه فاضله دست خواهد یافت

به طوری که از اقدامات اساسی و همه جانبه منجی (عج) همه موجودات عالم ابراز رضایت نموده و طعم واقعی خوشبختی و سعادت را با تمام وجود احساس خواهند نمود.

در روایتی که گویای اوج رضایتمندی مردمان آن زمان از حکومت عدل گستر مهدی (عج) می باشد چنین می خوانیم: «...ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنودند. زمین همه بذرهايش را می رویاند و آسمان تمام بارانش را می بارد...»^۲

و در روایتی دیگر چنین بیان شده است: «...و مردم نزد مهدی (عج) می آیند و او را همانند عروس می برند و او زمین را از عدل و داد پر می کند و زمین گیاهانش را می رویاند و آسمان بارانش را می بارد و امت من در حکومت وی به گونه ای از نعمتها بهره مند می شوند که هرگز مثل آن بهره مند نشده اند.»^۳

آینده:

آینده در لغت به معنای «زمان پس از حال» و «وقتی که نیامده است» می باشد و در اصطلاح، «آینده گرایی» به معنای جامعه و محیطی است که بشریت در طول تاریخ تمام تحرک و تکاپوی خود را برای رسیدن به آن حاکمیت و جامعه سپری کرده است. جامعه ای که در آن انسان به سوی مطلوب و محبوب خود جهت گیری مستقیم خواهد کرد و به بیشترین مطلوب های خود دست پیدا می کند.^۴ به نظر برخی محققان، آینده از چهار مولفه «رویداد»، «روند»، «تصویر» و «اقدام» پدید می آید. «رویداد» یعنی واقعیتی که روی دادن آن محتمل به نظر می رسد، «روند» یعنی حرکت خاص جهت دار، «تصویر» یعنی آن چه مردم در ذهن خود می پروراند، و «اقدام» یعنی عملی که بر اساس آن تصویر، انجام می دهند.^۵

فواید آینده پژوهی:

بر اساس چهار مولفه ذکر شده، فایده هایی بر آینده پژوهی وجود دارد، از جمله:

^۲ . «...یرضی عنه سکن السماء و ساکن الارض لا تدخر الارض شیئا من بذرها الا اخرجته، و لا السماء شیئا من قطرها الا صبته ...» العرف الوردی فی

اخبار المهدی، ص ۱۰۲

^۳ . العرف الوردی فی اخبار المهدی، ص ۱۰۳

^۴ . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱، ص ۲۲۹، ج ۱، ۱۳۲۵ ه. ش

^۵ سبحانی، محمدتقی، مجله موعود، ش ۳۶، ص ۱۱-۱۰

^۶ . جیمز دی تور، آینده پژوهی به عنوان دانش کاربردی، رهیافت ش ۲۰، ص ۱۰۴-۱۰۳.

۱. به مردم کمک می کند تصویرهای خود را از آینده شفاف نمایند.

۲. به مردم کمک می کند تا تصویرها و اقدام های کنونی خود را از حد کوشش های منفعلانه فراتر برده، بکوشند تا آینده را پیش بینی کرده و سپس بر پایه پیش بینی های درست تر، طرح های عملی خود را به پیش ببرند.

۳. گام بعدی ایجاد تصویرهای مثبت از آینده و اقدام به طرح ریزی و تصمیم گیری بر اساس آن تصویر های مثبت است، بنابراین آینده پژوهی بازنگری بینش های مربوط به آینده و آن گاه اقدام به طرح ریزی و تصمیم گیری است.^۷

از دیدگاه مکتب اهل بیت(ع) آینده تاریخ توأم با عدالت و امنیت و آرامش و خوشبختی و فراوانی نعمت و برکات آسمانی و زمینی و رفاه و آسایش بی مانند می باشد که در آخرالزمان به دست آخرین منجی بشریت و حکومت توحیدی ایشان برقرار خواهد شد که این معنا در احادیث فراوانی با عنوان: «یَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۸ و مضامین مشابه به کار رفته است. و مرحله متکامل و متعالی زندگی با ظهور حضرت مهدی(عج) آغاز خواهد گردید و مردم از برکات و عنایات وجودی ایشان متنعم خواهد شد و از نقص به کمال، و از فساد و بی دینی به یکتا پرستی و نیک اخلاقی و از فساد و تباهی به فلاح و سعادت رهنمون خواهند شد.

ضرورت و اهمیت آینده نگری

آینده نگری و کسب آگاهی از کیفیت رخداد فرجام تاریخ بشریت از مهمترین چالش های فرا روی انسان ها در طول تاریخ بوده و خواهد بود. اهمیت آینده نگری و نیز اقبال عمومی مردم به آن، سبب شده است همه مکاتب - اعم از مکاتب الهی و مکاتب بشری - به نوعی به آن حساس بوده و درباره آن، بحث کرده اند تا در صدد ترسیم آن برای باورمندان خود برآیند. به راستی برای مردم، این مطلب پذیرفته نیست که خود را پایبند به مکتبی بدانند که در آینده و کیفیت رخداد آن، بی خبر بوده و ابراز بی اطلاعی نمایند؛ از این رو، آینده نگری، میان همه مکاتب مطرح بوده و با همین رویکرد، مکاتب، آینده و فرجام تاریخ را بر اساس آموزه های مکتب

^۷ همان، ص ۱۰۵.

^۸ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ح ۴، ۵۸۴، کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۶، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۶؛ عقدالدرر، ص ۶، صص ۱۱۷، الحاوی للفتاوی، ص ۸۸، البیان، ص ۸۴، ح ۵۳.

خود توجیه و تفسیر می کنند؛ اما تفاوت و تمایزی که میان مکاتب در مباحث آینده نگری و کیفیت رخداد آن وجود دارد، سبب بروز دیدگاه های گوناگون درباره ی آینده نگری شده است.

در مکتب راستین اهل بیت(ع) ، از آن جا که جهان بر اساس اراده حق تعالی اداره می گردد، آینده و فرجام بشریت را روشن ارزیابی کرده و آینده جهان را از آن صالحان می دانند.^۹ در مقابل، مکاتب الحادی با جهان بینی مادی، با دست مایه قرار دادن یک سری عوامل ، نظیر نژاد، ملیت، فرهنگ و باورها، معمولاً آینده تاریخ را منفی ارزیابی نموده بلکه اضمحلال و نابودی را سرنوشت حتمی بشر می دانند. در مقابل دو دیدگاه مثبت و منفی فوق، دیدگاه سومی مطرح است که برای بشر، آینده و فراسوی که در انتظار آن به سر برد، تصور نمی کنند؛ بلکه آینده ی بشریت را در هم اکنون خلاصه کرده و پایان تاریخ را اعلان نموده اند و به نوعی خوشبختی و بهزیستی مطلوب بشر را در نظام لیبرالیسم غربی که به گمان آن ها بهترین و کامل ترین ایدئولوژی تجربه شده ی بشر در طول تاریخ زندگی خود است، خلاصه می کنند.^{۱۰}

روایات اهل بیت با الهام از دین اسلام در جایگاه آخرین، کامل ترین و جامع ترین دین آسمانی، آینده بشریت را خوب و روشن ارزیابی کرده و آن را در قالب دکترین مهدویت به بشر و جوامع بشری معرفی کرده است؛ آینده بشریت و حاکمیت آن را از آن مومنان و صالحان دانسته و فراگیری توحید، عدالت، معنویات، امنیت، مساوات، حاکمیت اخلاق بر پایه دین مداری در جامعه جهانی، سرازیر شدن نعمتها و برکات آسمانی و زمینی را از شاخصه های مهم حکومت جهانی مصلح به شمار آورده است.^{۱۱}

^۹ همان طور که خداوند می فرماید: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» انبیا/۱۰۵

^{۱۰} نظریه پایان تاریخ، اولین بار توسط «فوکویاما» (نظریه پرداز ژاپنی الاصل آمریکایی) ارائه گردید، از دیدگاه وی با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه کمونیسم، عصر رقابت و حاکمیت ایدئولوژی ها به سر آمده است و جامعه بشری در آینده رو به «دموکراسی لیبرال» می رود. دموکراسی لیبرال، آخرین شکل حکومت و پایان تاریخ خواهد بود و انسان امروز راهی جز پذیرفتن این ایدئولوژی ندارد. در واقع در آینده، دولت - ملتها با پذیرفتن این نظام ، شکل یکسان و شبیه هم پیدا خواهند کرد. تکامل ایدئولوژی «دموکراسی لیبرال» موجب برتری تاریخی آن و پیروزی قدرت نظامی و اقتصادی آن است. این ایدئولوژی تکامل یافته ای است که جبر تاریخی، آن را الگوی مطلوب همه انسان ها ساخته است. آینده جهان، رحیم کارگر، ص ۱۱۵، به نقل از ده سال پس از طرح فرضیه، فرانسیس فوکویاما.

^{۱۱} «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلکم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من

بعد خوفهم امنای یعبدونتی لا یشرکون بی شیتا» نور/۵۵

نظریه های سرانجام تاریخ و نگرش قرآن

از آنجا که اهل بیت (ع) ترجمان قرآن بوده و مفسرین واقعی قرآن می باشند و چهارچوب زندگی ایشان بر اساس اصولی تعریف شده وحی الهی می باشد برای درک رهنمودهای ایشان در مورد آینده بشریت ضروری است تعدادی از آیات الهی که در مورد آینده بشریت تفسیر و یا تاویل شده را تبیین نماییم تا درک درستی از اوضاع آخرالزمان و آینده بشریت داشته باشیم.

در آیات مختلفی از قرآن کریم، سرانجام نیکی برای آینده بشر به تصویر کشیده شده است که این امر، خود بخشی از نگرش قرآن کریم را به فلسفه تاریخ شکل می دهد. از یک منظر کلان، نگرش های موجود به آینده تاریخ را می توان در چند طبقه بندی شناسایی نمود.

الف) نگرش انحطاطی: این نگرش سیر تاریخ را به صورت انحطاطی تلقی کرده، سرانجام تاریخ را به صورت انحطاطی تلقی نموده و سرانجام تاریخ را جز فرایند تدریجی افول و وخیم شدن وضعیت جوامع بشری نمی داند. این گروه، که به گذشته گرایان معروفند، به آینده کاملاً بدبین هستند. از نظر آنان، تاریخ، سیر دور شدن از گذشته طلایی است. در نگرش های باستانی، این تفکر در آیین هندو از این قبیل است. برخی از نگرش های یونان باستان به تاریخ، از نوع رویکرد انحطاطی بوده است.

ب) نگرش دوری: که بر اساس این نگرش، تاریخ، فرایند تکرار مداوم است. در آیین هندو، بحث چرخش مداوم تاریخ از طریق فرایند تناسخ و در دوره های چند هزار ساله مطرح و پذیرفته شده است.^{۱۲} از جمله رویکرد های دوری در فلسفه تاریخ، می توان از «اشپنگلر» و «توین بی»، در فلسفه غرب مدرن و «ابن خلدون» در فلسفه اسلامی یاد کرد.

ج) نگرش خطی - تکاملی: در این رویکرد، تاریخ، فرایند تحول و تکامل است. این رویکرد، معتقد است تاریخ عبارت است از فرایند مستمر تکامل بشری. از نظر صاحبان این نظریه، چنین سیری قهری، و گریز ناپذیر است و دست تاریخ انسان را به جلو می برد. رویکرد های مدرن غربی، غالباً از چنین منظری به تاریخ نگاه می کنند. رویکرد ایده آلیستی - دیالکتیکی هگل را می توان نمونه بارز چنین نگرشی در غرب مدرن دانست. به تبع

^{۱۲} برای بحث در نگرش های اسطوره ای به تاریخ ر.ک: «میرچا الیاده»، اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، نشر قطره، ۱۳۷۸ ش.

وی، تفکر مارکسیستی نیز با نفی ایده آلیسم و با رویکردی ماتریالیستی چنین نگرشی را مطرح کرده است. در فلسفه تاریخ «امانوئل کانت» نیز نگرش خطی - تکاملی به صورت بارزی مطرح شده است.^{۱۳}

د) رویکرد تکاملی - حلقوی: این رویکرد را می توان در نگرش ادیان آسمانی به تاریخ یافت. بر اساس این نگرش، خط سیر تاریخ، نه لزوماً به صورت تکاملی قهری و یکنواخت و مداوم، بلکه ناشی از فراز و فرودها و دوره های مختلف انحطاط و ترقی است؛ اما سرانجام حرکت تاریخ به سوی تکامل می باشد. چنین تکامل و سرانجام نیکی برای بشر، بخشی از اراده تکوینی و سنت تغییر ناپذیر الهی برای تاریخ دانسته شده است؛ اما چنین تکاملی برای انسان، با دوره های مختلف افول و انحطاط همراه است.

در تفکر قرآنی، چنین رویکردی به تاریخ مشاهده می کنیم. تاریخ، در فرایند خویش به دلیل عملکرد انسانها، شاهد دوره های انحطاطی بوده است. این امر در قرآن کریم به تصریح بیان شده است از نظر قرآن ظهور فساد و ناهنجاری بر روی زمین، محصول عملکرد انسان ها می باشد: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون»^{۱۴} از سوی دیگر، آینده، طبق اراده تغییر ناپذیر الهی، سرانجام نیک برای جهان و حاکمیت بندگان صالح خداوند است. در سوره انبیاء^{۱۵}، این امر به عنوان حکم الهی در تورات و زبور معرفی شده است که بر اساس این آیه ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده ای است که خداوند از گذشته های دور در کتاب های آسمانی به حق پرستان، صالحان و تقوا پیشگان داده است که زمین از آن ایشان است و فرجام نیک به مومنان تعلق می گیرد.^{۱۶} در روایتی از امام صادق (ع) بیان شده است که: «منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند، مهدی قائم (ع) و یاران او هستند».^{۱۷}

خداوند در آیه ۵ سوره مبارکه قصص نوید آینده ای درخشان را به مومنان داده و می فرماید:

^{۱۳} کانت با تمرکز بر خرد بشری و خیر اخلاقی در نظریه سیاسی خود به آینده بشر، از منظر اخلاقی، توجه کرده است. او در رساله ای با عنوان «معنای کلی تاریخ در غایت جهان وطنی» به وضعیت آینده بشری می پردازد. رک: معنای کلی تاریخ در غایت جهان وطنی، ترجمه منوچهر صناعی دره بیدی، درسنامه فلسفه، س ۲، ج ۳، زمستان ۱۳۷۸ ش.

^{۱۴} روم/ ۴۱

^{۱۵} انبیا/ ۱۰۵

^{۱۶} فصلنامه انتظار، مقاله ابعاد جامعه شناختی استضعاف و آینده مستضعفان در قرآن کریم، غلامرضا بهروزلک،

^{۱۷} تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

«و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين؛ و اراده كرديم بر كسانى كه در آن سرزمين فرودست شده بودند، منت نهيى و آنان را پيشوايان گردانيى و ايشان را وارث [زمين] كنيم».

اين بشارتى است كه در زمينه پيروزى حق بر باطل و ايمان بر كفر؛ براى همه انسان هاى آزاده و خواهان حكومت عدل و داد و برچيده شدن بساط ظلم و جور در حكومت حق و عدالت آخرين ذخيره الهى داده شده و در روايات اسلامى تفسير اين آيه را به آن ظهور بزرگ، پيوند داده اند.^{۱۸}

امام على (ع) در تفسير اين آيه مى فرمايد: «اين گروه آل محمد هستند، خداوند مهدى آن ها را بعد از زحمت و فشارى كه بر آنان وارد مى شود، بر مى انگيزد و به آن ها عزت مى دهد و دشمنانشان را ذليل و خوار مى كند».^{۱۹}

از امام باقر و امام صادق (ع) روايت شده است: «اين آيه درباره صاحب الامر است كه در آخرالزمان ظهور مى كند و جباران و فراعنه را نابود مى سازد و شرق و غرب عالم را مالك مى شود و آن را از عدل آكنده مى سازد همان طور كه از ستم پر شده بود».^{۲۰}

سومين آيه اى كه نويد آينده اى بسيار درخشان و زندگى سعادت‌مندان در پرتو حكومت عدل الهى را مى دهد آيه ۵۵ سوره مباركه نور مى باشد كه خداوند به كسانى كه ايمان آورده و عمل صالح انجام مى دهند وعده مى دهد كه به زودى جامعه اى برايشان برپا مى دارد كه به تتمم معنا صالح باشد و از ملكه كفر و نفاق و فسق پاك باشد زمين را ارث برند و در عقايد افراد آن و اعمالشان جز دين حق، چيزى حاكم نباشد. در امنيت زندگى كنند، ترسى از دشمن داخلى و خارجى نداشته باشند. از كيد نيرنگ بازان و ظلم ظالمان و زورگويى زورگويان آزاد باشند. اين جامعه طيب و طاهر با صفاتى كه از فضيلت و قداست دارد، هرگز تاكنون در دنيا منعقد نشده و دنيا تاكنون چنين جامعى اى به خود ندیده است، ناگزير اگر مصداقى پيدا كند، در روزگار مهدى (عج) خواهد بود، چون اخبار متواترى كه از رسول خدا (ص) و اهل بيت (ع) در خصوصيات آن حضرت وارد شده از انعقاد

^{۱۸} . ر.ك: ناصر مكارم شيرازى، تفسير نمونه،

^{۱۹} . «هم آل محمد يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم و يذل عدوهم» تفسير نورالثقلين، على بن جمعه العروسى، بى تا، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱۱.

^{۲۰} . «ان هذه الآيه مخصوصه بصاحب الامر الذى يظهر فى آخرالزمان و يبىد الجباره و الفراعنه و يملك الارض شرقا و غربا فيملاها عدلا كما ملئت جورا»؛ سيد هاشم بحراني، البرهان فى تفسير القرآن، (قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۳۰، ح ۱۲.

چنین جامعه ای خبر می دهد. حق این است که آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی به زودی منعقد می شود قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست.^{۲۱}

در تفاسیر مختلفی از امام سجاد(ع) درباره تفسیر این آیه نقل شده است: «آنان - به خدا سوگند- شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آن ها به دست مردی از ما انجام می دهد که مهدی این امت است. زمین را از عدل و داد پر می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»^{۲۲}

آینده روشن تاریخ از دیدگاه اهل بیت(ع)

با توجه به مطالبی که گذشت اینک به آینده بشر از دیدگاه شیعه با توجه به روایات می پردازیم هر چند ذهن بشر امروز کوتاه تر از آن است که بتواند تصویر واقعی جهان در عصر بعد از ظهور را حتی در اندیشه ی خویش به دقت ترسیم کند، زیرا آنچه در دوران پس از ظهور آشکار می شود در بسیاری از موارد در تمامی تاریخ بشر بی سابقه بوده است و اگر هم در برهه هایی از تاریخ، توسط انبیای عظام و یا اوصیای آن ها نمونه هایی از آن ایجاد شده باشد، هم گذرا بوده است و هم محدود زیرا در بسیاری از موارد حتی سفرای الهی نتوانسته اند آن طرح های نیکوی خود را در عالم خارج تحقق بخشند و تلاشهای آنان با اهریمن صفتی برخی هواخواهان، ناتمام مانده است و خود نیز در آن راه جان باخته اند.

امام صادق(ع) در بیان کلی از دوران پس از ظهور می فرماید: «آن گاه که قائم(ع) قیام کند، چیزی را می آورد که پیشتر(اصلاً) نبوده است.»^{۲۳}

لذا ما در اینجا تنها به نمونه هایی اشاره می کنیم که از زبان وحی و روایات در ترسیم از آن زمان بدست می آید و الاً جهان در دوران حکومت حضرت مهدی(عج) از چنان شکوفایی و درخشندگی برخوردار است که اندیشه های وابسته به تجربیات گذشته و حال را توان درک واقعی آن نیست، مگر از دریچه عالم وحی و روایات.

^{۲۱} .المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۶۸

^{۲۲} . « هم والله شیعتنا اهل البيت، يفعل الله ذلک بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الامه، یملا الارض عدلا کما ملئت ظلما و جورا...»؛ بحار

الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴، ح ۵۷۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳۲.

^{۲۳} .اذا قام القائم جاء بامر غیر الذی کان؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

آینده درخشان بشر در سایه سار حکومت مهدوی:

در سایه سار حکومت جهانی ولی خدا شاهد تحولات عمیق و بی بدیل در عرصه های مختلف زندگانی بشر خواهیم بود که در طول تاریخ زندگی بشر سابقه نداشته و رسیدن به این جایگاه آرزوی تمامی انبیاء و اولیاء بوده است که به تعدادی از این عرصه ها اشاره می نمایم:

۱- حاکمیت و گسترش آیین اسلام

از ویژگی های ممتاز و بی نظیر جامعه موعود جهانی، این است که همگان در آن موحد بوده و خدا را به یگانگی پرستش می کنند و شریک برای او قرار نمی دهند. او را بی شریک، بی نظیر، واحد، یگانه و یکتا می شناسند و این یک امتیاز بزرگ است که در دولت مهدوی (عج)، همه مفتخر به آن هستند و حق را می پرستند. در نتیجه توحید خالص و پاک از هر شائبه شرک، حاکم می شود. مشکلی که در طول تاریخ- به خصوص در عصر حاضر- گریبانگیر جوامع انسانی است، الحاد، کفر و شرک و تحریف در دین است. این کاستی، خود موجب اختلاف ها، جنگ ها، هواپرستی ها و انحرافات بسیار و باعث دور شدن از هدف و غایت اصلی زندگی (تقرب و نزدیکی به خدا) است. از طرفی الحاد، بی دینی، شرک و دین ستیزی از مشخصه های دیگر جوامع است که در دوران ما، شکل ناپسند و خطرناکی به خود گرفته است. خود این تفکر و عقیده، پیامد های سوئی بر رشد و بالندگی انسان ها و افول معنویت داشته است.

بر این اساس از برکات و ثمرات جاودان دولت مهدوی، ریشه کن شدن بی دینی و الحاد، اختلاف در دین، شرک و دین ستیزی و حاکمیت توحید و یکتا پرستی و گسترش و فراگیری دین مبین اسلام و آموزه های حیات بخش و انسان ساز آن است. ثمره حاکمیت اسلام، تحقق جامعه دینی و راهبری دین در رفتارها و گفتار ها است.

الف) برچیده شدن ادیان و مذاهب مختلف:

طبق روایات وارده: «همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نمی ماند.»^{۲۴}

^{۲۴} «یرفع المذاهب، فلا یبقی الا الدین الخالص» کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۴۹.

نیز: «به خدا قسم! ناهماهنگی و اختلاف مذاهب و ادیان از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند؛ چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «به راستی دین در نزد خدا اسلام است.»^{۲۵}

ب) حاکمیت توحید و یکتا پرستی:

«هنگامی که مهدی قیام کند، زمینی باقی نمی ماند، مگر آنکه گلبانگ توحید(شهادت لا اله الا الله) و... در آن بلند گردد.»^{۲۶}

ج) گسترش و فراگیری دین حق:

«اهل هیچ دینی باقی نمی ماند؛ مگر این که اسلام را اظهار می دارد و اعتراف به ایمان می کند.»^{۲۷}

۱- دانش و پیش در عصر امام مهدی (ع)

طبق روایات رسیده آنچه از دانش در عصر همه پیامبران حتی در عصر اسلام توسط پیغمبر اسلام و اوصیای گرامی اش آشکار شده، تنها دو حرف از دانش است و در دوران حکومت حضرت مهدی(ع) ۲۵ حرف دیگر از دانش آشکار خواهد شد که اصلاً در گذشته ی همه جهان سابقه نداشته است و حضرتش از نوامیس طبیعی چیزهایی را ظاهر می سازد که اصلاً در اندیشه بشر امروز جای ندارد. چنان که معصوم(ع) می فرماید: علم ۲۷ حرف است، آنچه پیامبران آوردند و برای مردم آشکار ساختند تنها دو حرف بوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته اند. هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار می کند و آنها را در میان مردم بسط می دهد و آن دو حرف گذشته را هم به آن می افزاید تا ۲۷ حرف (دانش را در میان مردم) می پراکند.^{۲۸}

نمره تحولات شگرف در گسترش علوم در چند چیز ظاهر خواهد شد که عبارتند از:

الف) ارتقای سطح دانشهای ظاهری و باطنی.

^{۲۵} «فوالله ليرفع عن الملل والادیان الاختلاف و يكون الدين كله واحدا كما قال جل ذكره: «ان الدين عند الله الاسلام» بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴

^{۲۶} «اذا قام القائم لا يبقى ارض الا نودی فيها شهادة ان لا اله الا الله...» محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

^{۲۷} لن یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان»، شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

^{۲۸} یزدی حائری، علی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۰۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

انسان ها در عصر ظهور، شاهد پیشرفت و توسعه ای بی نظیر در دانش، صنعت، فن آوری و تولید خواهند شد و امر مجهول و مبهمی فراوی آنان نخواهد ماند. در عین حال این دانش همراه با حکمت و بصیرت خواهد بود که در نتیجه مردم به باطن و حقیقت دنیا و طبیعت پی خواهند برد.^{۲۹}

ب) ارتقای تمدن بشری؛

با افول تمدنهای دست ساز بشری و آشکار شدن ناکارآمدی این تمدن ها-بدون اتصال به منبع وحی و با ظهور دولت حق، بشر وارد دوره ای جدید از تمدن باشکوه می شود که در هیچ دوره ای از تاریخ همانندی نداشته است. در این دوره هیچ گونه محدودیت و مانعی از افاضه ی علم بی کران امام (ع) وجود ندارد و همه شعبه ها و گونه های مختلف دانش بشری، از رشد و پیشرفت زیادی برخوردار خواهند شد که تصور آن برای هیچ کس ممکن نیست.^{۳۰}

ج) ارتقای سطح سلامت و بهداشت؛

از آثار و نتایج دیگر دولت حضرت مهدی، دفع بیماری ها و طولانی شدن عمرها، ریشه کن شدن مرض های واگیر و کشنده و زایل گشتن ترس و ناتوانی های انسان هاست. این امر در نتیجه اقدامات مثبت حکومت آن حضرت در بهبود و ارتقاء بهداشت عمومی و اهمیت به محیط زیست و رشد علم و دانش بشری در همه زمینه ها از جمله طب به دست می آید^{۳۱}

۲- امنیت جهان در سایه تمدن حضرت مهدی(ع)

اگر بخواهیم درباره امنیت سخن گوئیم باید بگوئیم که در یک جامعه چند گونه امنیت را می توان تصور کرد:

۱. امنیت فردی

۲. امنیت اجتماعی

^{۲۹} . چنان که در روایتی می خوانیم: «چون قائم ما قیام کند، خداوند دست حضرتش را بر سر بندگان قرار خواهد داد تا بدین کار عقل های ایشان گرد آید و خرد هایشان کامل گردد.» منتخب الاثر، لطف اله صافی، ۴۸۳. و در روایتی دیگر می خوانیم: «وقتی قائم ما قیام می کند، خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی مردم می افزاید...» «ان قائمنا اذا قام مد الله فی ابصارهم و اسمائهم.» کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴۰. و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

^{۳۰} . در روایتی از امام باقر(ع) چنین می خوانیم: «اما آن حضرت بر ابرها سوار خواهد شد و به وسیله وسایلی، به آسمانهای هفتگانه بالا خواهد رفت(و به آسمان ها دست خواهد یافت)» «اما انه سیرکب السحاب و یرقی فی الاسباب اسباب السماوات السبع» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

^{۳۱} . آینده جهان، جلال برنجیان، ص ۵۳-۵۷

۳. امنیت منطقه ای

که قطعاً برای سعادت و آسایش انسان در این جهان به همه گونه امنیت نیاز است و به مجرد از بین رفتن یکی از آن‌ها حیات انسان در معرض خطر جدی می‌افتد. و با قیام حضرت مهدی(ع)، حیات همه فرعونیان و مفسدان از بین رفته و تمام کاخ‌های ظلم و بیداد برچیده خواهند شد.

در روایتی چنین وارد شده است که:

«بر هر ستمگر و ستمگر زاده ای پیروز می‌شود و آن قدر عدالت را در جهان آشکار می‌سازد که مردگانش آرزوی زندگی - مجدد در دنیا- را می‌نمایند.»^{۳۲}

در روایتی دیگر از امام علی(ع) می‌خوانیم که:

«هر گاه قائم ما ظهور کند، کینه توزی از دل مردم رخت بر می‌بندد و چهارپایان رام می‌گردند، تا آنجا که زنی از عراق تا شام مسیر را می‌پیماید در حالی که هیچ درنده ای او را نمی‌آزارد و او نیز از هیچ درنده ای نمی‌ترسد.»^{۳۳}

۳- گشایش‌های اقتصادی در سایه تمدن امام مهدی (عج)

امروزه بر جهان یک نظام طبقاتی حکومت می‌کند و جوامع به دو قطب غنی و فقیر تقسیم شده‌اند. کشور های ثروتمند نمی‌دانند چگونه و در کجا ثروت خویش را خرج کنند، در حالی که جوامع فقیر مانده‌اند که چگونه آب و نانی به دست آرند و علیرغم پیشرفت‌های علمی و صنعتی که بشریت بدست آورده است، مشکل گرسنگی هنوز در بسیاری از کشورها از بغرنج‌ترین و سخت‌ترین مشکلات به شمار می‌آید و هر روز بر تعداد قربانیان گرسنگی در جهان افزوده می‌شود. اما در دوران درخشان حکومت مهدوی این کمبودها از میان می‌رود.

در روایتی از امام باقر(ع) می‌خوانیم:

«مهدی اموال را در میان مردم چنان به مساوات تقسیم می‌کند که دیگر محتاجی دیده نمی‌شود تا به او زکات بدهند.»^{۳۴}

^{۳۲} .الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۱

^{۳۳} .بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

در روایتی دیگر چنین می خوانیم:

«مهدی فرزند من است... گنج ها را استخراج می کند و شهرهای شرک را می گشاید.»^{۳۵}
و «خداوند برای قائم، گنج ها و معادن زمین را آشکار می کند.»^{۳۶} با توجه به روایات به این نتیجه می رسیم که این گشایش های اقتصادی در سایه تدبیر و مدیریت و تولید و رونق بیشتر محصولات کشاورزی و بهره برداری کامل از معادن و منابع طبیعی صورت می گیرد.^{۳۷} و نتیجه این شکوفایی اقتصادی در سه امر ظاهر می شود:

- نابودی نظام فقرمداری.^{۳۸}
- رفاه اقتصادی.^{۳۹}
- عدم نیازمندی.^{۴۰}

۴- عدالت اجتماعی در عصر طلایی مهدی (ع)

یکی از آثار و پیامدهای حتمی ظهور و تشکیل دولت امام مهدی (عج)، تثبیت و گسترش عدالت اجتماعی و در نتیجه ریشه کنی تبعیض ها و بی عدالتی ها در جامعه می باشد که توسط حاکمان ستمگر، ثروت اندوزان فاسد و مستکبران کینه توز بر جامعه تحمیل شده است.

^{۳۴} بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

^{۳۵} «المهدی من ولدی... يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك.» علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۰ و ۴۷۸.

^{۳۶} «و يظهر الله له كنوز الارض و معادنها!» کمال الدین شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۴. و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳۱.

^{۳۷} امام علی (ع) در روایتی می فرماید: «زمین میوه های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می ریزد و هر حقی به صاحبش برگردانده می شود.» علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶۵.

^{۳۸} پیامبر اسلام (ص) در این مورد می فرماید: «امت من در دوران مهدی (ع) چنان متنعم شود که بسان آن بهره وری را (در تمام زمانها) ندیده باشند. آسمان پیوسته باران خود را بر ایشان فرو می فرستد و زمین چیزی از رویدنی هایش باقی نمی ماند مگر آن که برویاند. ثروت در آن روز بر روی هم انباشته می شود (چون) مردی به پا خیزد و بگوید: ای مهدی به من عطا فرما، گوید: بگیر.» عقد الدرر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، ص ۱۷۰.

^{۳۹} پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «در پایان امت من مهدی (ع) خروج خواهد کرد. خداوند با باران رحمتش او را سیراب می کند. زمین گیاهش را می رویاند. او ثروت را به مساوات تقسیم می کند. دام (چهارپایان بهره ده) در جهان فراوان شوند و امت (اسلامی) بسیار بلندی خواهند گرفت.» تاریخ ما بعد الظهور، محمد صدر، ۷۴۴.

^{۴۰} بخاری به سند خود از ابو موسی نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: قطعاً زمانی بر مردم می آید که فرد می گردد تا طلایی را صدقه دهد؛ اما کسی را نمی یابد که آن را بگیرد.» صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۶. به نقل از تاریخ پس از ظهور محمد صدر، ص ۴۶۳.

در روایات بیان شده که: امام زمان(عج) ، برای ایجاد عدالت عمومی، اموال نامشروع را مصادره می کند، قطایع و زمین هایی که حکومت ها به ناروا به افراد واگذار کرده اند، به بیت المال بر می گرداند^{۴۱} و دست حرام خواران را از اموال عمومی کوتاه می کند و نقب های نامریی به بیت المال را مسدود می کند.^{۴۲}

در اجرای عدالت تا آن جا پیش می رود که راه را بر افرادی که به زیارت مستحبی خانه خدا می روند بسته و حج واجب را در اولویت قرار می دهد^{۴۳} و زمین با عدالت او دوباره زنده می شود و مردم سیرت و حکومت عادلانه او را مشاهده خواهند کرد: «زمین را به وسیله قائم زنده می کند، پس او در آن عدالت می ورزد. در نتیجه زمین با عدالت او حیات می یابد، بعد از آن که با ستم [ظالمان] مرده بود.»^{۴۴} و «به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل و حکومت عادلانه چگونه است.»^{۴۵}

امام خمینی(ره) عدالت مهدوی را عدالت در تمام مراتب انسانیت معنا کرده و معتقد است در تمام نفوس حتی اشخاص کامل، انحرافات وجود دارد؛ در اعمال، یا اخلاق یا عقایدشان. آن حضرت مامورند که این انحرافات را نیز به اعتدال برگردانند. افزون بر آن که قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم می شود، و سازمان های دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده می شوند و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا می گرایند.^{۴۶}

برخی از اندیشمندان هم معتقدند عدالت در جامعه مهدوی(عج) به معنای برقراری عدل کامل، نفی هر گونه ظلم و تبعیض، آن هم نه فقط از جنبه اقتصادی؛ بلکه از جنبه سیاسی و امتیازات غیر مالی مثلا اداری می باشد. وی به سیره پیامبر اکرم(ص) اشاره می کند که در نگاه کردن هم تبعیض را محکوم می کردند:

«کان رسول الله یقسم لحظاته بین اصحابه». و نیز تبعیض در مقام قضا، در کار و بیکاری و نیز عمومی بودن و عدم تعلق به گروه خاص.^{۴۷}

^{۴۱} . صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر: ۳۰۵

^{۴۲} . بحار الانوار: ۵۲: ۳۳۸

^{۴۳} . فروع کافی، ۴: ۲۷

^{۴۴} . «یحییها بالقائم(ع) فیعدل فیها فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بالظلم» کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۴۸ و بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۵۴.

ح ۳۳۷.

^{۴۵} . «فیریکم کیف عدل سیرته»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

^{۴۶} امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲ و ج ۱۲، ص ۲۰۹-۲۰۷، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۱.

^{۴۷} . مرتضی مطهری، یادداشت ها، ج ۹، ص ۳۹۲.

۵- آبادانی در عصر طلایی مهدی(عج)

طبق آموزه های مکتب اهل بیت(ع) در این عصر، همه امکانات طبق احتیاجات جوامع، به مناطق عالم گسیل می گردد و هیچ نقطه ای از عالم متروک و رها شده باقی نمی ماند باران های موسمی شروع به باریدن می کند، رودخانه ها پر آب و زمین ها حاصلخیز می شود و کشاورزی شکوفا می گردد. باغها سرسبز و پر از میوه می شود و بعضی از بیابان ها، یکباره به نخلستان تبدیل می گردد. و دامداری گسترش می یابد و...مردم صاحب شغل و مسکن و دارایی و زمین می شوند و سراسر زمین آباد، خرم و سرسبز گشته و ویرانی ها و خرابی ها اصلاح می شود و دیگر خبری از جنگ های خونین و ویرانگر نخواهد بود و صلح و صفا در همه نقاط عالم هستی حکمفرما خواهد شد و نعمت ها فراوان، آب ها مهار، زمین ها آباد و حاصلخیز و معادن ظاهر می شود.^{۴۸} در روایاتی چنین می خوانیم: «در روی زمین جایی نمی ماند، جز این که آباد می گردد»^{۴۹} و در روایات سخن از کثرت مال و وفور نعمت ها باران های پیایی سبکباری و رهایی از بارهای سنگین زندگی،^{۵۰} آسودگی از رنج طلب کردن و نیافتن، ادای قرض تمام مقروضین و ادای دین تمام صاحبان دین است.^{۵۱} نیز: «زمین به وسیله مهدی(عج)آباد، خرم و سرسبز می شود و به وسیله او چشمه ساران روان می گردد...و خیرات و برکات زیاد می شود»^{۵۲} و نیز: «...آسمان باران هایش را فرو می ریزد و درختان میوه های خود را آشکار می سازد. زمین گیاهان خود را بیرون می فرستد و برای ساکنان خود آرایش می کند»^{۵۳} و همچنین: «آسمان چنان که باید، باران ببارد و زمین گیاه برویاند»^{۵۴}

از دیدگاه تشیع انتظار مهدی(عج) انتظار مصلح جهانی است، انتظار حکومت عدل جهانی است و انتظار تحقق همه خوبی ها است. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا آن چه را که بر اساس فطرت پاک خدایی، در

^{۴۸} آینه جهان، رحیم کارگر، ص ۳۷۳.

^{۴۹} «فلا یبقی فی الارض خراب الا عمر» کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

^{۵۰} الارشاد، شیخ مفید، ص ۷۰۲.

^{۵۱} همان: ۳۹۰.

^{۵۲} «...تعمیر الارض و تصفوا و تزهوا بمهدیها و تجری به انهاها و تعدم الفتن و الغارات و یكثر الخیر والبرکات» لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۲۰۹، ح ۴۹.

^{۵۳} «...و تعطی السماء قطرها والشجر ثمرها والارض نباتها و تنزین لاهلها» احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله مرعشی، ج ۱۹، ص ۶۸۸ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۵.

^{۵۴} «تخرج الارض نباتها و تنزل السماء برکتها» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

آرزوی آن بوده و هیچ گاه به صورت کامل به آن دست نیافته است، ببیند و مهدی(عج) همان است که عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت و صلح و عصر شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان ها به ارمغان می آورد و برچیدن بساط استعمار و بردگی انسان ها و نفی هر گونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی، ره آورد حاکمیت اوست. پس با توجه به اتفاقات بی نظیری که در آخرالزمان همزمان با ظهور منجی موعود و اقداماتی که آن حضرت در برپایی حکومت عدل الهی و برچیدن اساس ظلم و ستم بعد از ظهور انجام می دهد از نگاه شیعه آینده تاریخ سرشار از خوشی و فرهمندی و سعادت مندی خواهد شد همان آرمانی که بشر در طول دوران تاریخ به دنبال دستیابی به آن بوده است.

نتیجه:

با توجه به مطالب بیان شده از دیدگاه قرآن و اهلبیت(ع) چشم انداز آینده تاریخ بشریت، بسیار روشن و سعادت مندانه خواهد بود که این امر باعث ایجاد امید و شور و اشتیاق و انتظار آینده ای بهتر در میان مردم شده است و این مساله برخلاف برخی از مکاتب و ادیان و مذاهب و نظریه ها می باشد که با تبلیغات گسترده سعی بر این دارند که آینده بشر را تاریک و شوم و توام با فساد و تباهی به تصویر کشانده و یاس و نومیدی را در میان مردم ترویج می دهند.

آینده ای که قرآن و اهل بیت(ع) برای بشر ترسیم می نمایند جهان عاری از هر گونه ظلم و ستم و استبداد و استعمار و نا امنی و جنگ و خون ریزی و غارت و چپاول ملت های مظلوم بوده و در عین حال توام با نزول برکات ارضی و سمائی و فراوانی نعمت های مادی و معنوی در سایه حضور ولی خدا می باشد که نوید زندگانی بسیار درخشان و بی بدیل را در عصر حضور و ظهور حجت خدا را می دهد.

منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. الهی نژاد، حسین، *آینده پژوهی*، مقاله آینده نگری و فرجام تاریخ بشر، دفتر فصلنامه انتظار موعود، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۴. آذیر، اسدالله، *منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی*، دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵. بخاری، (محمد بن اسماعیل) *صحیح البخاری*، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ه.ق.
۶. برنجیان، جلال، *آینده جهان*، موسسه انتشارات طور، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۷. بهروز لک، غلامرضا، *فصلنامه انتظار*، مقاله ابعاد جامعه شناختی استضعاف و آینده مستضعفان در قرآن کریم
۸. جینور لنگرودی، نصیر، *مصلح موعود در ادیان*، انتشارات مبین اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۹. جیمز دی تور، *آینده پژوهی به عنوان دانش کاربردی*، مجله رهیافت، شماره ۲۰.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، چاپ اول، ۱۳۲۵ه.ش.
۱۱. سبحانی، محمد تقی، *مجله موعود*، شماره ۳۶.
۱۲. سبزواری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ه.ق.
۱۳. سیوطی، (جلال الدین)، *الحاوی للفتاوی*، ج ۲.
۱۴. -----، *العرف الوردی فی اخبار المهدی*، تحقیق: محمد کاظم الموسوی، تهران، نگار، ۱۴۲۷.
۱۵. شاکری زواردهی، روح الله، *منجی در ادیان*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۶. شیخ صدوق، (محمد بن علی بن حسین)، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه منصور پهلوان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۱۷. شیخ مفید، (محمد بن محمد بن نعمان)، *الارشاد*، محمد باقر ساعدی، انتشارات اسلامی، بی تا
۱۸. صافی گلپایگانی، علی، *منتخب الاثر*، مطبعه سپهر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹.

۱۹. صدر، محمد، *تاریخ ما بعد الظهور*، موعود عصر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ سوم، ۱۳۹۴.ق.
۲۱. علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تعلیق سید هاشم رسولی، بی تا، بی جا.
۲۲. قاضی نورالله مرعشی، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹.ق.
۲۳. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۲۴. کامل سلیمان، *یوم الخلاص*، ترجمه لطیف راشدی، انتشارات ارمغان طوبی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲۵. کلینی، (محمد بن یعقوب)، *الکافی*، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۶.ش.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، موسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳.ق.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی (عج)*، انتشارات نسل جوان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۲۸. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، صدرا، چاپ ۹، ۱۳۷۹.
۲۹.، *یادداشتها*، ج ۹، انتشارات صدرا، چ ۴، ۱۳۸۸.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.
۳۱. میرچا الیاده، *اسطوره بازگشت جاودانه*، ترجمه بهمن سرکاراتی، نشر قطره، ۱۳۷۸.ش.
۳۲. یزدی حائری، علی، *الزام الناصب*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۴.
۳۳. یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، *عقد الدرر*، مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۴۲.